

Foundations of Family Stability in Quranic Teachings

Dr. Hassan Mosalmi¹
Mohammad Omer Mobarez²

Abstract

From an educational and social perspective, the family is the most important social institution in the history of human culture and civilization. It bears the greatest responsibility for the growth, development, education, and happiness of individuals in society. Based on this institution, a husband and wife live together in empathy and love, serving as the generator of human resources and a gateway to other social institutions. The elevation, excellence, and normativity of society depend on the general conditions of its families; therefore, its collapse inflicts significant damage on the body of society. Many practitioners and experts have proposed various solutions and strategies to strengthen it, some of which are incompatible with other Islamic foundations or have proven unsuccessful in practice.

Using a descriptive-analytical library-based method, this study explores the key foundations of family stability from the perspective of the Holy Quran. Its most important findings can be outlined as: “focusing on family stability,” “attention to spirituality,” “morals and politeness,” “rationality (wisdom-oriented behavior),” “empathetic partnership between husband and wife,” and “presenting a righteous generation to society.”

Keywords: Factors of Stability, Family Collapse, Family Health, Emotional Need, Legal Foundations.

¹ Hojjat al-Islam wal-Muslimin Dr. Hassan Mosalmi, Assistant Professor at Al-Mustafa International University and Lecturer at Seminary and University.

² Researcher and PhD Student in Comparative Jurisprudence, Al-Mustafa International University, Golestan Branch (Omermubarez12345@gmail.com).

مبانی استحکام خانواده در آموزه‌های قرآنی

دکتر حسن مسلمی^۱

محمد عمر مبارز^۲

چکیده

خانواده از لحاظ تربیتی و اجتماعی مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که در تاریخ فرهنگ و تمدن انسانی بیشترین مسئولیت را در رشد و تحول، تربیت و سعادت افراد جامعه دارد. نهاد خانواده که براساس آن زن و شوهر همدلانه و عاشقانه در کنار هم زندگی می‌کنند مولد نیروی انسانی و معبر سایر نهادهای اجتماعی است، تعالی و ناهنجاری جامعه در گرو شرایط عمومی خانواده‌ها است، لذا فروپاشی آن آسیب‌های زیادی بر پیکر جامعه می‌زند، درمانگران بسیاری راهکارها و راهبردهای گوناگون را جهت استحکام آن ارائه داده‌اند که برخی آن راه‌کارها با سایر مبانی اسلامی ناسازگار است و یا اینکه در عرصه عمل ناکام است.

این پژوهش کلیدی‌ترین مبانی استحکام خانواده را به روش کتابخانه‌ای به صورت توصیفی تحلیلی از دیدگاه قرآن کریم کاویده است که مهم‌ترین دستاوردهای آن را می‌توان این گونه برشمرد «اهتمام به استحکام خانواده»، «توجه به معنویات»، «اخلاق و ادب مداری»، «خردورزی» و «مشارکت همدلانه زن و شوهر»، و «تقدیم نسل صالح به جامعه».

کلیدواژه‌ها: عوامل استحکام، فروپاشی خانواده، سلامت خانواده، نیاز عاطفی، مبانی حقوقی.

^۱ حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن مسلمی استادیار جامعه المصطفی و مدرس حوزه و دانشگاه.

^۲ پژوهشگر و دانشجوی دکتری فقه مقارن، جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی گلستان، -

ضرورت پژوهش استحکام خانواده از آنجا ناشی می‌شود که خانواده به‌عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی و محل آرامش روحی و بدنی افراد است اما در زمان حاضر؛ یعنی عصر ارتباطات و فناوری، بر پیکر نهاد خانواده ضربه محکم خورده است نزدیک‌ترین، عاطفی‌ترین و انسانی‌ترین رابطه‌ها که در میان اعضای یک خانواده تجلی می‌باید به روابط سرد و بی‌روح و احیاناً غیرانسانی تبدیل شده که عوارض همچون افزایش طلاق، پسران بی‌هویت، تشنج و بحران... آثار آن است.

خیلی دردآور است که در این عصر، اکثر خانواده‌ها، نقش پناهگاه بودن، دانشگاه تربیت و معبد اخلاق بودن را از دست داده و باوجود قوی‌ترین مبانی فکری قرآن، سنت و عترت اهل بیت (ع) سبک زندگی جوامع اسلامی، دچار مشکل گردیده است به جای امیدبخشی، روح‌افزایی، شادکامی و محبت زایی، به محل یأس آفرینی، افسردگی، دشمنی و اضطراب بخشی تبدیل شده و تشکیل خانواده خود، به‌عنوان یکی از مشکلات بشر گردیده است، اکنون پرسش این است که جامعه اسلامی برای ثبات و استحکام واحدهای کوچک‌تر خود، یعنی خانواده از چه مبانی می‌توان استفاده کند؟ آیا قرآن کریم در استوار سازی و استحکام این نهاد نقش دارد؟

فرضیه مقاله حاضر این است که قرآن کریم به‌عنوان کتاب زندگی در عرصه استحکام خانواده برای جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها، نقطه امید و قابل اتکا برای بازگشت انسان این عصر به فطرت واصل خویش و بازگشت خانواده به جای حقیقی خود است، عواطف زیبای انسانی، حیات فردی و اجتماعی او دنبال سرشت و حقیقت خود است و دنیای انسان را به دنیایی سرشار از عشق و محبت، سلامت روح و روان، موفقیت و کامیابی، شادکامی و پیشرفت مادی و معنوی مبدل می‌سازد.



این مطلب با بررسی متون فریقین (شیعه و سنی) جای گاه این عامل رشد دهنده و بازدارنده را در تثبیت بنیان‌های خانواده بررسی می‌کند.

منظور از تحکیم خانواده نگه‌داشتن بنای ناپایدار صرفاً با حفظ نامی از آن نیست، پایداری خانواده، به معنی کوتاه آمدن یک طرف و پذیرش ظلم، و بی‌عدالتی از طرف مقابل نیست و نیز صرف اجتماع چند وابسته خونی یا سببی، زیر یک سقف با هرگونه روابطی ظالمانه نیست، بلکه مقصود از تحکیم خانواده، فراگیری اصل اعتدال میان همگان، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه‌ی اعضای آن خانواده است هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن، «به سکونت رسیدن اعضاست» که با کمترین ظلم، نامردی و تحقیر حتی یک عضو در خانواده، سازگار نیست.

این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی مبانی استحکام و پایداری خانواده‌ها را در قرآن کریم کاویده است، که مهم‌ترین امتیاز مقاله حاضر این است که مبانی استحکام خانواده را با نگاه جامع‌تر، آیات و روایات اهل سنت و شیعه بررسی کرده است.

این مقاله در سه بخش تنظیم شده است، ابتدا «مفهوم شناسی» برخی واژه‌ها از حیث لغوی و اصطلاحی بررسی می‌شود، سپس مبانی استحکام خانواده در قرآن براساس منابع فریقین پرداخته شده و در آخر نتیجه‌گیری مطالب ذکر شده است.

مفهوم شناسی

در بحث مفهوم شناسی جهت تبیین و درک درست از آن ضرورت دارد که نخست به توضیح مفاهیم کلیدی و کاربرد در پژوهش پرداخته شود. از این رو نخست به بیان و توضیح مفاهیم آنان می‌پردازیم.





خانواده

از نظر لغت شناسان خانواده ترجمه واژه «اسره» در زبان عربی است فیروزآبادی می‌نویسد: «خانواده سپر آهنین است وبری مرد، نیروی مطمئن» (فیروزآبادی، ۱۴۲۶ هـ.ق: ۲، ۴۰۶) و برخی می‌گویند «خانواده همان عشیره و خاندان اوست؛ زیرا با ایشان قدرتمند می‌شود» (احمد الزیات و محمد النجار، بی‌تا: ۱، ۱۷) مفهوم لغوی خانواده، تنها در حوزه قلمرو فرزندان و خانواده مرد نیست، بلکه شامل نزدیکان و خویشاوندان او که با آن‌ها قدرتمند می‌شود، نیز شامل می‌شود (شریف قرشی، ۱۳۹۵ هـ.ش: ۱).

و در اصطلاح از خانواده تاکنون تعاریف گوناگون ارائه شده است که عموماً براساس دو نکته بیان گردیده است؛ یکی ساختارهای موجود خانواده که تاریخ از آن یادکرده است و دیگری انتظاراتی که از کارکرد خانواده بوده و هست در این تحقیق نگاه دوم مورد بحث قرار می‌گیرد «خانواده عبارت است از یک واحد اجتماعی ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آن‌ها، آن را تکمیل کنند. خانواده شامل مجموعه‌ای از افراد است که باهدف و منافع مشترک زیر سقفی گرد هم می‌آیند» (قانمی، بی‌تا: ص ۲۰)

استاد زحیلی می‌نویسد: «خانواده گروه و جماعتی هستند که زیربنای جامعه را تشکیل می‌دهند. و بنای آن بر روابط همسری میان زن و مرد استوار است و پیامد آن وجود فرزندان که به صحنه زندگی گام می‌گذارند» (زحیلی، ۱۳۸۸ هـ.ش: ص ۲۹) سازمان ملل متحد خانواده را چنین تعریف می‌کند: «خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره‌ای اطلاق می‌شود که باهم زندگی می‌کنند؛ درآمد مشترك برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج، باهم نسبت

دارند. در يك خانواده ممکن است يك يا چند خانواده زندگي کنند، تمام خانوارها، هم خانواده نیستند.» (اعزازی، ۱۳۸۵ هـ ش: ۲۰)

و در دانش واژه قرآنی خانواده معادل واژه عربی «الأسرة» است که برابر آن در زبان فارسی خانواده قرار دارد، در آیات وحی دیده نمی شود ولی واژه اهل در مواردی بار معنایی خانواده را در خود دارد. این واژه گاه به «الکتاب» نسبت داده شده است «اهل الکتاب» و در مواردی به «القري» مانند «اهل القري» و در مواردی به «المدینه» و... در این کاربردها، معنای اهل بسته به مضاف الیه آن است هرگاه واژه «اهل» در قرآن به نام افراد نسبت داده شود و یا به ضمیری اضافه گردد که به اشخاص بازمی گردد، بار معنایی خانواده را خواهد داشت، هرچند در برخی از این موارد مراد از «اهل» و مضاف الیه آن خاندان است.

بنابراین، با نظر داشت کاربرد «اهل» همسر به عنوان یکی از اعضای خانواده می شود و عنوان خانواده برای مردی که به تنهایی زندگي می کند به کار نمی رود:

«إِنَّا مُنْجُوكَ وَأَهْلُكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ» (عنکبوت: ۳۳)

«ما تو و خانواده ات را نجات خواهیم داد.» در این آیه شریفه همسر نوح علیه السلام از شمار خانواده نجات یافته ایشان استثناء شده است، بنابراین آیه شریفه حکایت از آن دارد که همسر نیز یکی از اعضاء خانواده است
فرزندان اعم از پسر و دختر از جمله خانواده هستند:

«إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي» (هود: ۴۵)

پروردگارا! همانا پسر من از خاندان من است (قرائتی، ۱۳۸۸ هـ ش: ۴، ۶۴) مفسران قرآن، کنعان را اهل نوح می خوانند و در مورد مریم علیها السلام می فرماید:
«وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا» (مریم: ۱۶)





و در این کتاب آسمانی مریم را یاد کن آن هنگامی که از خانواده اش جدا شد و در ناحیه شرقی قرار گرفت (مخلص، ۱۳۸۵ هـ. ش: ۳، ۵۶).

و همچنین برادران و خواهران نیز در شمار افراد خانواده قرار دارند؛ زیرا موسی علیه السلام خواهان تعیین وزیری از خانواده خویش می شود و آفریدگار نیز هارون را که برادر موسی است به عنوان وزیر موسی معرفی می کند:

«وَاجْعَلْ لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي هَارُونُ أَخِي» (طه: ۳۰-۲۹)

و از خاندانم وزیری برایم قرار بده برادرم هارون را (همان، ۵، ۳۳۷) بنابراین، مفهوم مشترکی که از مجموعه تعاریف ذکر شده و ده ها تعریف ارائه شده ی دیگر استنباط می شود، این است که خانواده پیوند عمیق و پایدار جسمی و روحی چند نفر برای زیستن در فضای واحد است؛ یعنی بدون تحقق این پیوند، خانواده معنایی ندارد؛ قوام این بنا به میزان پیوند اعضای آن بستگی دارد از همین جهت تحکیم روابط در خانواده از جمله مهم ترین مسائل در سلامت و رشد فرد، هم چنین پویایی و توسعه همه جانبه در جامعه است.

اخلاق

از نظر لغت شناسان واژه ی «اخلاق» به معنای عادت، طبع و سجه است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۳، ۱۹۴) و در اصطلاح به «ملکات نفسانی و صفات پایدار روحی» اطلاق می شود. هرگاه عملی به کرات انجام شود به تدریج در روح انسان اثر می گذارد و منشأ پیدایش صفتی پایدار در نفس می شود و به تعبیر «ملکه» نیز می گویند. (کلانتری، بی تا: ص ۵۰)

تکالیف

تکالیف جمع تکلیف از ریشه کلف به معنی الزام است؛ چنانچه کَلَّفْتُ الرَّجُلَ: وقتی گفته می شود که چیزی مشقت آور را الزام نموده باشید. (حسینی، بی تا: ج ۴۰،

ص ۴۴۴) و در کاریست اندیشمندان شریعت تکلیف عبارت از انجام و یا ترک فعلی مشقت آوری که شارع مقدس آن را خواسته است و این خواست شارع به شکل حکم عبارت از خطابی است که به افعال مکلفین به طریق اقتضاء یا تخییر تعلق می‌گیرد (وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت، ۱۴۲۷ هـ ق: ۱۳، ۲۴۸)

حقوق

واژه «حق» از نظر واژگانی دارای معنای زیاد است از جمله: راست، برانزنده، زیننده، شایسته، نقطه مقابل باطل یعنی حکم مطابق واقع، ثابت، محکم و نصیب معین هر انسان آمده است (قیومی، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۴۳) و در اصطلاح حقوق شناسان «حق» چیزی است که تسلط و اختیاری برای فرد و جامعه ایجاد کند که بتواند از آن به نفع خود بهره‌برداری یا صرف‌نظر نماید (زاهدی، ۱۳۹۷ هـ ش: ۱۰۹) و حقوق جمع «حق» به مجموعه قوانین و مقرراتی گفته می‌شود که به منظور حفظ نظام جامعه، تنظیم روابط افراد و ملت‌ها و بهبود وضعیت انسان‌ها در ابعاد گوناگون حیات وضع گردیده است (همان، ۱۱۰) و در کاریست اندیشمندان فقه؛ کلمه حق را بر پایه‌ی معنای واژگانی آن به‌کاربرده‌اند: حق آن است که بایبان شارع به اثبات رسیده و شارع از آن پشتیبانی کرده باشد؛ و در ادامه حق را به حق الله و حق العباد دسته‌بندی نموده‌اند، (حق الله عبارت از حقوقی است که به منفعت عام مردم و جامعه تعلق می‌گیرد و حق الناس به مصلحت شخص خاص تعلق می‌گیرد.) (وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، ج ۱، ص ۸۸). ما از حقوق در این بحث مجموعه ویژگی‌ها و امتیازاتی هست که شخص از آن برخوردار است.

عفاف

از نظر لغت شناسان جمع عفت به معنی پاک‌دامنی و ترك شهوت است (حسین ج ۳، ص ۳۶۴) و در اصطلاح حاصل شدن حالتی است برای نفس و جان آدمی که به‌وسیله





آن از غلبه و تسلط امیال پست بشری جلوگیری می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۹۸ هـ ش: ۱۵۰۴) پس عفت یکی از فضایل مهم اخلاقی در رشد و پیشرفت و تکامل جوامع انسانی است؛ اما شهوت که مقابل عفت قرار دارد، موجب سقوط فرد و جامعه می‌شود. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که اشخاص یا جوامعی که بهره کافی از عفت داشته‌اند، از نیروهای خداداد خود، بالاترین استفاده را در راه پیشرفت خود و جامعه خویش برده و در سطح بالایی از آرامش و امنیت زیسته‌اند، اما افراد یا جوامعی که در «شهوت پرستی» غرق شده‌اند، نیروهای خود را ازدست داده و در معرض سقوط قرار گرفته‌اند. خون‌های بسیاری در این راه ریخته شده و اموال فراوانی بربادرفته، اسرار مهم کشورها به وسیله زنان جاسوسی که سرمایه و ترفند کارشان استفاده از زیبایی و آلودگی نشان بوده، افشاشده و آبروی بسیاری از آبرومندان در این راه ریخته شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸ هـ: ۴)

مبانی پایداری و استحکام خانواده

قرآن کریم مبانی زیادی را برشمرده است که در صورت رعایت آن‌ها با کم‌ترین امکانات، خوشبختی و آرامش برای خانواده به وجود می‌آید و باعث استحکام خانواده‌ها می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

مبانی استحکام همسرگزینی:

در فرهنگ اسلام پیوند از امواج مبتی بر اصول و ارزش‌های است که در اولین گام همسرگزینی لازم است رعایت شود در صورت عدم توجه به آن‌ها، آینده زندگی را به خطر می‌افتد و یا اینکه برآیند سعادت‌مند ندارد که مهم‌ترین آن‌ها در فرهنگ قرآنی عبارت‌اند از:

تناسب فکری:

در آموزه‌های اسلام یکی از مهم‌ترین معیارهای و پایه‌های ازدواج را همدلانه‌تر می‌سازد، تناسب فکری است و منظور ما از تناسب فکری دین‌داری است، هراندازه این ویژگی قوی‌تر باشد، استحکام خانواده کامل‌تر هست هراندازه ضعیف و سست باشد، به همان اندازه به استحکام خانواده آسیب می‌رساند وقتی زوجین نسبت دین خود اطلاع داشته و اوامر و نواهی آن را رعایت نمایند و آراسته به اخلاق اسلامی باشند، پایبند به آداب و دستورات دینی بوده، از خود و خانواده‌اش محافظت می‌کنند، چنین مسلمانی در صورت دوست داشتن، همسرش او را گرامی می‌دارد و اگر از او خوشش نیامد حداقل به او ستم نمی‌کند؛ زیرا مبانی قرآن کریم این است:

«فَإِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ» (بقره: ۲۲۹)؛

نگاهداری (زن) به گونه شایسته (و عادلانه) یا رها کردن (او) با نیکی و بایستگی و به‌دوراز ظلم و جور (خرم‌دل، ۱۳۹۳ هـ ش: ۱۴۱) از آن جائیکه قرآن کریم انسان را جایزالخطا معرفی می‌کند، شوهر با تمسک به این مبانی معتقد می‌شود که زن او یک انسان است و معصوم از گناه و اشتباه نیست و احتمال وجود برخی موارد را در وی می‌دهد که شاید باب طبع و سازگار نباشد و از آن درمی‌گذرد (جزائری، ۲۰۰۳ م: ۱، ۲۱۴) صاحب تفسیر کشاف می‌نویسد: «منظور از امساک به معروف و تسریح به احسان این است که هرگاه شوهر اراده فروپاشی خانواده را کند باید ارزش‌های انسانی زن را مدنظر داشته باشد یا اینکه به‌صورت شایسته از خود جدا نماید و یا با او زندگی نماید در هر صورت از شوهر رفتار و کردار نیک می‌خواهد» (الزمخشری جار الله، ۱۴۰۷: ۱، ۲۷۳)

پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

«لَا يَفْرُقُ مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً، إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ مِنْهَا آخَرَ» (قشیری، بی تا: ۲، ۱۰۹۱)





مرد مؤمن زن مؤمن را دشمن نمی‌دارد، چنانچه یکی از اخلاق وی را ناپسند دارد، اخلاق دیگری از وی را بیسندد.

به همین‌گونه دختر دین‌دار کسی است که از دین خود آگاهی درست و به‌دوراز افراط و تفریط به حقوق شوهرش احترام می‌گذارد و تکالیف خود را درست انجام می‌دهد، باعث می‌شود که زندگی پر از شادی و سعادت برای وی و خانواده‌اش به ارمغان آید؛ چنانچه در وایت آمده است «اگر کسی مردی که اخلاق و دینش را می‌پسندید درخواست ازدواج کرد او را همسر دهید اگر چنین نکنید در زمین فتنه و فساد بزرگ پدید آید» (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق: ۱۴، ۳۱)

تناسب اخلاقی:

در قانون‌گذاری‌های مربوط به خانواده و مقررات آن بر آراستگی اخلاقی تأکید شده است این اصل مربوط هر دو طرف عقد می‌شود که باید در حین عقد فضیلت را مدنظر داشته باشند؛ چنانچه خداوند می‌فرماید:

«وَعَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹)

با زنان خود به‌طور شایسته (در گفتار و در کردار) معاشرت کنید. (سید قطب، بی تا: ۱، ۵۰) قرآن کریم با دفاع از زنان دستور می‌دهد، حتی اگر به جهاتی از همسران خود رضایت کامل ندارید، و بر اثر اموری از آنان دل‌گیر هستید، فوراً تصمیم به جدایی نگیرید و تا آنجا که ممکن است مدارا کنید؛ زیرا ممکن است شما در تشخیص خود اشتباه کرده باشید (رضایی اصفهانی، بی تا: ۲، ۳۴۰) یکی از مهم‌ترین عواملی که همسران را از هم جدا می‌کند بی‌بهرگی از فضایل اخلاقی است، خانمی که دارای شوهری با اخلاق است، در حقیقت به مردی دست‌یافته است که از دیگران کامل‌تر هست پیامبر (صلی‌الله علیه و سلم) می‌فرماید:

«أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا، وَخَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِمْ» (ترمذی، ۱۹۹۸ م: ۲، ۴۵۷)

کامل ترین مؤمنان از روی ایمان کسی است که اخلاقش بهتر باشد و بهترین شما، بهترین شما با زنانشان هستند، در روایت اهل بیت آمده است که کسی از امام صادق (ع) پرسید کسی از خویشاوندانم از دخترم خواستگاری کرده است و اما او اخلاق بد دارد، امام فرمود: «اگر اخلاق آش بد است با او وصلت نکن» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۳۵)

دلیل اینکه چرا آراستگی به فضایل اخلاقی باعث استحکام خانواده‌ها می‌شود، گفته می‌شود که انسان خوش رفتار در مورد همسرش انصاف را مراعات می‌نماید حقوق وی را به رسمیت می‌شناسد. مرد خوش رفتار همسرش را نمی‌آزارد و گفتار زشت و ناروا یا سخن ناپسندی را که به حیا و ناموس وی خدشه‌ای وارد سازد یا دشنامی را که زشتی آن به حرمت و مقام وی توهین نموده و کرامتش را کوچک شمارد بر زبان نمی‌آورد. مهر و عاطفه از نتایج اخلاق زیباست. یک زن باید شوهری داشته باشد که در ناتوانی‌هایش با مهربانی برخورد نموده، رنجش خاطرش را مرهم نهاده و به او لبخند زده و با دیدنش شاد شده و در صورتی که در حقش نیکی نمود از او تشکر کرده و تلافی نماید.

کسی که گذشت داشته و از کوتاهی‌هایش در گذشته و او را ببخشد؛ چراکه خاطر زن نیک رفتار تنها با سخنی شیرین آرام می‌گیرد. ازجمله مهم ترین نشانه‌های نیک رفتاری در بحث ازدواج آن است که مرد همسرش را فریب ندهد؛ یعنی عمداً عیب خود را نهان نداشته و خود را غیر از آنچه هست نشان ندهد؛ مثلاً اصل و نسب پایین، فقر و تنگدستی بسیار، سن و سال زیاد، ازدواج سابق یا کنونی، نداشتن تحصیلات و غیره را از شریک زندگی‌اش مخفی ندارد یا آنکه به واسطه‌ی برخی شیوه و ابزارهای زیبایی خود را زیباتر یا جوان‌تر از سن واقعی‌اش نشان ندهد، بلکه مبنی





کار هر دو طرف صداقت و راستی باشد قرآن کریم معیت خداوند را باراست گو می‌داند و در خانواده راست‌پیشه خداوند حضور دارد

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۱۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید!

محسن قرائتی می‌نویسد: «دوستی، هم‌نشینی و همراهی با راست‌گویان، یکی از عوامل تربیت جلوگیری انسان از انحراف است»

«آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (قرائتی، ۱۳۸۸ هـ ش: ۱۱، ۵۱۸)

استاد زحیلی می‌نویسد: «راست گفتن در هر موقعی راه نجات و کامیابی است» (زحیلی، ۱۴۱۸ هـ ق: ۱۱، ۶۹).

صداقت در یکی از صفات انسانی است که باید در تمام مراحل زندگی رعایت شود به ویژه در روابط خانوادگی بسیار مهم است صداقت تنها گفتن نیست بلکه تطابق فعل و گفتار فرد با آن چیزی که قبل از ازدواج گفته بوده، در حال مطابق باشد.

تناسب شخصیتی:

یکی دیگر از معیار همسرگزینی همدلانه بودن و مناسب بودن زن و شوهر است، واقعیت این است که معمولاً جز در صورت وجود برابری و هم‌کفو بودن زوجین خیر و صلاح زندگی آنان به سامان نخواهد رسید؛ زیرا خانواده ترکیب زن و مرد است هر قدر بین این دو عنصر، هماهنگی، هم‌فکری، تناسب شخصیت روحی و اخلاقی ایجاد شود این ترکیب استوارتر، محکم‌تر، پربارتر، جاودانه‌تر خواهد بود و اگر در شرایطی که زوجین متناسب و درخور هم نباشند، رابطه‌ی زن و شوهری آنان دیری نپاییده و ارتباط و علاقه ایشان از هم می‌گسلد و به‌زودی کار به جدایی و یا سردی

روابط می انجامد که البته آن زمان اهداف اجتماعی ازدواج و نتایج موردنظر آن حاصل نمی گردد، قرآن کریم در این مورد می فرماید:

«الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (نور: ۲۶)

زنان ناپاک از آن مردان ناپاک اند، و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلق دارند؛ وزنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاک اند! اینان از نسبت های ناروایی که (ناپاکان) به آنان می دهند مبرا هستند؛ و برای آنان آمرزش (الهی) و روزی پرارزشی است!

امام رازی در ذیل تفسیر این آیه فوق می نویسد که به اهمیت وجود برابری و تناسب میان زوجین موقع ازدواج اشاره نموده است (رازی، ۱۴۲۰ هـ، ۲، ۳۵۵)؛ چنانچه در این مورد حدیثی از حضرت علی (رضی الله عنه) نقل شده، پیامبر صلی الله علیه و سلم به او فرموده اند:

«ثَلَاثَةٌ يَا عَلِيُّ لَا تُؤَخِّرْهَا: الصَّلَاةُ إِذَا أَتَتْ، وَالْجَنَازَةُ إِذَا حَضَرَتْ، وَالْأَيْمُ إِذَا وَجَدَتْ»
کُفْؤًا» (بیهقی، بی تا: ۲، ۲۲۳)

در سه چیز تأخیر جایز نیست: «نمازی که وقتش برسد، جنازه ای که حاضر شود و زنی که با شما هم کفو باشد» حول و حوش این موضوع، همگی آن ها بر توجه به همسنگ و کفو بودن طرفین در ازدواج تأکید نموده و آن را یکی از دلایل ازدواج موفق می دانند.

برخی افراد از مفهوم کفایت یا همسنگی درک محدودی داشته و آن را به دارایی و ثروت فراوان، مقام و منصب بالا یا انتساب به قشر خاصی از اشخاص که تنها با آنان ازدواج نمایند یا صاحبان مشاغل هم تراز و همکار خود تعبیر می نمایند، درحالی که همتایی و تناسب دارای ابعاد مختلفی است؛ همتایی در اندیشه و تفکر ابتدائاً و قبل از





هر چیز بهتر است به همسنگ بودن درباره‌ی دین توجه شود، همتایی و تناسب فکری و فرهنگی، همتایی اخلاقی، همتایی جسمی و جنسی، همتایی اقتصادی و سیاسی، همتایی سنی و علمی و هماهنگی روحی و روانی، دلیل بسیار از طلاق‌ها موارد فوق است، پسری که در خانواده علمی و فرهنگی و دینی تربیت شده است و دختری که خانواده آزادی رشد نموده است و یا بالعکس هیچ بافت فکری میان این‌ها وجود ندارد که زندگی مشترکشان را ادامه بدهند پیامبر اکرم (ص) چنین هشدار می‌دهند «از ازدواج با زن کم عقل بپرهیزید؛ زیرا هم‌نشینی با او رنج‌آور و فرزندى که از او حاصل می‌آید، کم‌هوش و کودن است» (رواوندی، ۱۳۷۷ هـ.ش: ۱۱۶)

تناسب خانواده‌ها:

یکی دیگر از معیارهای استحکام خانواده انتخاب و گزینش از خانواده‌های اصیل است در حقیقت تربیت در خانواده اصیل، ارزش‌های نهاد خانواده را احترام می‌گذارد و باعث استحکام خانواده‌ها می‌شود از همین جهت رسول خدا (صلی‌الله علیه و سلم) می‌فرمایند:

«تُنكِحُ الْمَرْأَةُ لِأَرْبَعٍ: لِمَالِهَا، وَلِحَسَبِهَا، وَلِجَمَالِهَا، وَلِدِينِهَا، فَاظْفَرْ بِذَاتِ الدِّينِ تَرِبْتُ يَدَاكَ» (مسلم قشیری، بی تا: ۲، ۱۰۸۶)

«به خاطر چهار چیز با زنی ازدواج می‌شود: مال و ثروتش، اصل و نسبش، جمال و زیبایی‌اش و به خاطر دینداریش و دین‌داری را برگزین وای پرتو!» در این روایت تأکید بر حسب و خانواده آن همسر شده است، انتخاب از خانواده‌های خوب علی‌رغم اینکه باعث ازدواج دوام‌دار باقی می‌ماند، در حقیقت به آن خانواده یک امتیاز محسوب می‌شود، چنانچه کلینی روایتی می‌کند که رسول‌الله (ص) فرمودند «ای مردم، از گیاهان سبز و خرمی که در مزبله رشد کرده‌اند، بپرهیزید! گفتند: ای رسول

خدا، منظور از این جمله چیست؟ در پاسخ فرمودند: دختر زیبایی که در خانواده بد رشد کرده باشد» (کلینی، ۱۳۹۰ هـ ش: ۵، ۳۳۲)

مبانی استحکام اخلاق و ادب مداری

نیرومندترین عامل استحکام خانواده، عاطفه و محبت اعضای خانواده است و تا زمانی که رابطه‌ی زناشویی برمدار آرامش، دوستی و مهرورزی برقرار باشد، مستحکم باقی می‌ماند که در ذیل به مهم‌ترین عناصر آن اشاره می‌شود.

مهرورزی

از نظر اسلام اساس زندگی خانوادگی بر محبت است از مهم‌ترین ارزش در خانواده محبت و مهرورزی زن و شوهر نسبت به همدیگر است بقای خانواده و استمرار آن نیز مرهون و مدیون مهرورزی قلبی و عملی است محبت در سلسله نیازهای اساسی قرار دارد که به وسیله ازدواج اشباع می‌شود زن و شوهر باید برای زندگی مشترک خویش قوانینی را وضع کنند و پایه و اصولی را برای تفهم مشترک میان خویش و در جهت تداوم دوستی، عشق و مهر و محبت و همچنین برای رسیدن به خوشبختی بنیان بنهند. قرآن کریم مودّت به عنوان نعمت الهی یاد می‌کند که بین زن و مرد برقرار می‌شود از نظر قرآن کریم خانواده محل امنیت، آرامش است اضطراب، تشویش و بی اعتمادی در آن راه ندارد:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف: ۱۸۹)

او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید؛ و همسر او را از جنس او قرارداد تا در کنار او آرام بگیرد (قریشی، ۱۳۹۲ هـ ش: ۴، ۶۸).

طبق بیان این آیه مبارک گوهر وجودی زن و مرد یکی است و ازدواج عامل آرامش روح و زندگی است و ناآرامی روانی را برطرف می‌کند و اساس زندگی بر انس و الفت





است، نه اختلاف و شقاق (قرائتی، ۱۳۸۸، هـ ش، ۳، ۲۴۱) محبت می‌تواند خانواده را از خطر اضمحلال حفظ کند، دوستی به این معنی است که طرفین نمی‌خواهند محبوب خود را از دست بدهند، دوری محبوب دشوار و تلخ است پس باید فضای خانواده گرم نگه‌داشته شود رسول خدا می‌فرماید: «گفتار مرد به همسرش که من تو را دوست دارم، هرگز از دل او محو نمی‌شود» (حر عاملی، ج ۷، ص ۱۰) هرگاه محبت کاهش یابد، نظام خانواده به تهدید مواجه می‌شود، پس عشق به زندگی یکی از اساسی‌ترین نیازهای خانواده‌هاست، بدون محبت انسان نمی‌تواند شخصیت سالم و متعادلی داشته باشد؛ چنانچه می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱)

و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرارداد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!

علامه طباطبائی در این مورد می‌نویسند: «هریک از زن و مرد به‌تنهایی ناقص و محتاج به یکدیگر هستند و از مجموع آن دو، یک واحد که توانایی زادوولد دارد، به وجود می‌آید، به‌همین نقص و احتیاج است که هر یک از این دو، به‌سوی دیگری حرکت می‌کند و هرگاه به او رسید آرامش پیدا می‌کند؛ زیرا هر موجود محتاج نیز تمایل دارد احتیاج خویش را برطرف کند» (طباطبائی، بی‌تا: ۱۶، ۱۶۶) چنانکه در روایت آمده است

(خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ، وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي) (صدوق قمی، ۱۴۰۴ هـ ق: ص ۵۵۵)

بهترین شما بهترینتان برای خانواده‌اش است و من بهترین شما برای خانواده‌ام

هستم.

پیامبر اسلام (ص) در این سخن برای بهترین بودن خود را به عنوان موفق ترین انسان معرفی نموده است تا همه مخاطبان خود را به رسیدگی به امور خانواده ترغیب نماید ایشان از این طریق به همگان راهنمایی نموده که در سیره و روش رفتاری و گفتاری ایشان را سرمشق زندگی خود قرار بدهند اهتمام پیامبر اسلام (ص) به خانواده این است که ایشان تأکید می کردند که نیازها و خواست های طبیعی و فطری اعضای خانواده برآورده شود؛ چنانکه می فرماید:

«أَنْتَ قَالَ: لِيَتَهَيَّأَ أَحَدُكُمْ لِزَوْجَتِهِ كَمَا يُحِبُّ أَنْ تَتَهَيَّأَ لَهُ» (مغربی، بی تا: ۲، ۲۱۰)

پیامبر خدا فرمودند: هرکدام از شما باید خود را برای همسرش همان گونه آماده کند که او باید خود را برای شوهرش آماده کند... مقصود تمیزی است. از این سخن پیامبر اسلام آشکار می شود که ایشان در ارتباط به همسران خود، به تأمین ظریف ترین نیازهای آنان یعنی آراسته بود نیز توجه داشته است خداوند انسان و نظام هستی را به بهترین و زیباترین صورت آفریده و می فرماید:

«الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (السجده: ۷)

کسی که هرچه را آفریده به بهترین و زیباترین شیوه آفریده است. در آسیب شناسی پاشیدن خانواده یکی از عللی که باعث سست شدن خانواده ها می گردد آگاهی بروز مفاسد اجتماعی آنان را در پی خود دارد، کم توجهی به موضوع آراستگی است؛ چون برخی مردان و برخی زنان سلیقه خاص دارند زن و یا شوهر می خواهد که هم سفر زندگی اش در اوج خوش آراستگی و زیبایی جلوه نماید (بیات، ۱۳۹۳ هـ ش: ۳۳) در سیره معصومین دیده می شود که پاکیزگی و آراستگی برای مردان حائز اهمیت است گروهی از مردم نزد امام باقر آمدند و مشاهده کردند که ایشان موی





سری خود را رنگ کرده‌اند از ایشان در این مورد پرسیدند: «من همسر مرا دوست دارم و برای همسر، خود را آراسته می‌کنم» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق: ج ۴۶، ۲۹۸)

ایجاد انس و محبت مستمر به وسیله خداوند:

منظور ما از تشویق به مهرورزی و تقویت آن از طریق پاداش اخروی این است که انسان موجود زنده به طور طبیعی و غریزی نسبت به همسر و جفت خویش احساس لطف دارد قرآن کریم علاوه بر تأیید این روحیه، از طریق ظرفیت‌های اعتقادی و ایمانی، در صدد تقویت آن برآمده است قرآن شفقت نسبت به خانواده را از خصوصیات اهل بهشت می‌داند، بررسی سیره پیامبر اسلام (ص) نشان می‌دهد که ایشان برای خانواده خویش، هدف بلندمدت داشته و به آن، آگاه‌سازی نموده است؛ زیرا انسان‌های که خانواده را منحصر به این دنیا بدانند، این روابط مدت‌دار و زمانمند می‌گردد، زن و مرد تا زمانی که در کنار هم هستند به یکدیگر محترم هستند، در حالی که در روابط خانواده اسلامی لذت حقیقی مربوط به عالم آخرت است و زندگی دنیا، بستر و راه دستیابی به آن معرفی شده است.

این تصویر زیبا را ببینید، بهشتیان غرق نعمات الهی و لذت‌های جاودانه و بی‌نقص بهشتی باهم گفت‌وگو می‌کنند، از این‌که چگونه به بهشت آمدند، می‌گویند، ما پیش از این در دنیا با خانواده خویش مشفق بودیم:

«قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ. فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَ قَانَا عَذَابَ السَّوْمِ. إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ» (طور: ۲۶-۲۸)

«ما پیش از این در میان خانواده خودمان با شفقت بودیم. پس خداوند بر ما منت نهاد و ما را از عذاب جهنم نگاهداشت.»

علامه طباطبائی می‌نویسد: «معنی آیه این است که ما در دنیا نسبت به خانواده خود اشفاق داشتیم، هم آنان را دوست داشتیم، و به سعادت نجاتشان از مهالک و

ضلالت‌ها عنایت داشتیم و هم از اینکه مبدا گرفتار مهالک شوند می‌ترسیم و به‌همین منظور به بهترین وجهی با آنان معاشرت می‌کردیم و نصیحت و دعوت به‌سوی حق را از ایشان دریغ نمی‌داشتیم» (طباطبائی، ۱۳۸۹ هـ ش: ۱۹، ص ۱۵)

اصل مشاوره:

سومین اصل حاکم در نظام اخلاقی خانواده، مشاوره است، در دوگانگی‌هایی که معمولاً در خانواده رخ می‌دهد، شایسته‌ترین راه آن است که زن و مرد هم‌فکری نمایند و مسیری را انتخاب نمایند که عقل می‌پسندد، البته این طبیعی است که دو همسر دارای خواسته‌ها و اندیشه‌های ناهمگون و متفاوت دارند ولی در بسیاری همسران می‌توانند باهم فکری، خواسته‌ها و نظریات خود را هماهنگ کنند و از تعارض آن‌ها بکاهند (ر.ک؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۳۰۷)

مدیریت اختلاف

یکی دیگر از مبانی استحکام خانواده‌ها مدیریت اختلاف است بدون شک میان زن و مرد گاهی اختلاف به وجود می‌آید اگر دو طرف نقاط افتراق را برجسته نمایند زندگی می‌پاشد از همین جهت حضرت علی (ع) «کم گذشت بودن» را زشت‌ترین عیب‌ها و «شتاب در انتقام» را بزرگ‌ترین گناه شمرده است (بیرجندی، ۱۳۷۶ هـ ش: ۳۷۱).

ممکن است زن و شوهر درباره‌ی همدیگر اشتباه کنند مثلاً زن درباره رعایت حقوق مرد، مدیریت خانه و تربیت فرزندان اشتباه کند و یا مرد درباره تأمین امکانات زندگی و رسیدگی به امور همسر دچار خطاء شود اگر همه‌ی این اشتباهات دیده بشود، زندگی پر کشمکش به وجود می‌آید، اما تلاش برای ندیدن خشکاندن اختلافات، علاوه بر اثر تربیتی، زندگی را شیرین می‌کند امام صادق فرمودند: «صلاح زندگی اجتماعی و معاشرت با مردم، در پیمانه پری است که دوسوم آن زیرکی و





یک سوم آن تغافل است» (تحف العقول، ص ۳۷۵) خداوند متعال در مورد مذمت یهود می فرماید:

«فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ» (بقره: ۱۰۲)

و آن‌ها از آن دو [فرشته] چیزهایی می آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ هـ ش: ۱، ۱۱۵).

بنابراین، هر زن و شوهری باید بدانند که شیاطین انسانی و جنی در کمین آنان بوده و هر کدام از زوجین را تحت نظر دارند و در اندیشه‌ی ایجاد دشمنی و کینه در میان آنان هستند و اختلافات ساده‌ی آن‌ها را پیچیده و بزرگ می‌کنند تا آن‌ها را بیشتر و دشوارتر از آنچه در اصل بوده‌اند بنمایانند. تا جاییکه این اختلافات ممکن است به جدایی زن و شوهر نیز بیانجامد.

طبق بیان قرآن کریم زن و شوهر باید در علاج اختلافات خویش در همان شروع کار شتاب کرده و در مورد آن سهل‌انگاری ننمایند؛ چراکه اهمال و بازنشستن از حل و فصل آن‌ها به معنی ریشه دوانیدن و سیراب کردن اختلافات در درون کالبد زندگی زناشویی است. وقتی که این اختلاف در زندگی زناشویی بزرگ و ریشه‌دار شد؛ آن را سست و ناتوان ساخته و از پا می‌اندازد و (خدای ناکرده) باعث از هم پاشیدن آن می‌گردد؛ مانند موریانه‌ای که در تنه‌ی درختی تنومند رخنه کرده و آن را سست و متلاشی می‌کنند.

چقدر زیبا است که زن و شوهر در همان روزهای نخست زندگی مشترک با توافق هم برنامه و شیوه‌ی کاری را برای مواجهه با مشکلات و اختلافات میانشان قرار دهند.

و اگر در صورتی که خودشان نتوانستند حل و فصل نمایند قرآن کریم برنامه دیگری می دهد که از افراد باتجربه در مقام حکم و داوری استفاده کنند تا شاید آنان بتوانند به این مشکل پایان دهند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۲۳۶) خداوند متعال در این مورد می فرماید:

«وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» (نساء: ۳۵)

ترجمه: و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می کند؛ زیرا خداوند، دانا و آگاه است (و از نیات همه، باخبر است)

هرگاه زن و شوهر با هم اختلاف نمایند درحالی که به تعبیر قرآن کریم زن و شوهر، یک پیکر روح در دو پیکرند، کلمه «شقاق» درجایی بکار می رود که یک حقیقت به دو قسمت تقسیم شود در قبال از بین بردن اختلاف خانواده جامعه مسؤولیت دارند به ویژه بستگان در رفع اختلاف خانوادگی، مسؤولیت بیشتری دارند. «فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا»

شریعت اسلامی می خواهد قبل از اینکه مسائل به دادگاه کشانیده شود، در درون گروهی حل شود. (قرائتی، ۱۳۸۸ هـ ش، ۲، ۶۵) مقررات قرآن این است که دادگاه خصوصی تشکیل شود امتیاز این دادگاه این است که عاطفی و دل سوزانه است برخلاف دادگاه های رسمی که مقررات آن خشک است و باعث افشای اسرار افراد می شود و احساسات آنها جریحه دار می شود در صورتی که زن و شوهر به حالت قبلی برگردند ولی محبت ها کم می شود و از طرف دیگر قاضی دادگاه به نتیجه دعوی بی طرف است ولی دادگاه خانوادگی دنبال وصل زن و شوهر هستند. (رضایی





اصفهانی، بی تا: ۲، ۳۷۱ و مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ هـ ش: ۱، ۴۲۴) قرآن کریم خیلی به ابقا و دوام خانواده‌ها کوشیده است حتی تا آخرین مرحله اختلاف باز هم می‌کوشد تا خانواده‌ها از هم جدا نشوند.

مبانی استحکام حقوقی خانواده در قرآن کریم.

یکی دیگر از مبانی استحکام خانواده مسئولیت پذیری است با تشکیل خانواده فرد از حالت فردی بیرون می‌شود وظایف و مسئولیت‌هایی را می‌پذیرد، که مراعات کردن آن‌ها، خانواده‌ها را گرم‌تر، مستحکم‌تر تصمیمی می‌سازد؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظُ شِدَادٍ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم: ۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه‌دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده‌شده‌اند (به‌طور کامل) اجرا می‌نمایند!

در آیات متعددی از قرآن کریم به رسالت انسان در برابر خانواده‌اش اشاره شده است، از جمله در این آیه مبارکه

«قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (قرائتی، ۱۳۸۸ هـ ش: ۱۰، ۱۲۸)

این آیه برای اعضای خانواده خطوط مسئولیتشان را ترسیم می‌کند زن و شوهر را از فردیت خارج می‌کند و مسئولیت نهاد خانواده برای طرفین واگذار می‌کند در این مورد پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

«مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ، فَلْيَتَزَوَّجْ» (نسائی، ۲۰۰۱ م: ۵، ۱۵۰)

هرکس از شما که آمادگی ازدواج را داشته باشد باید که ازدواج نماید در شریعت اسلامی زوجین بر همدیگر حقوقی دارند هرگاه برای یک طرف حق ایجاد شود، برای طرف دیگر تکلیف نشئت می‌کند، پس تکلیف مداری یعنی اینکه زن و مرد در برابر ادای حقوق همدیگر احساس مسئولیت نمایند، که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از:

حقوق زن بر مرد:

مهریه:

حق مالی که با نفس ازدواج بر مرد واجب می‌گردد، مرد مکلف است که باید پرداخت کند خداوند متعال می‌فرماید:

«وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (نساء: ۴)

و مهر زنان را (به‌طور کامل) به‌عنوان یک بدهی (عطیه)، به آنان بپردازید!

خداوند متعال به خاطر کرامت زن‌ها این حقوق را به آن‌ها داده است اسلام مهریه را بر مردان واجب گردانیده است که باید بپردازند مهریه، نرخ زن نیست، بلکه نشانه‌ی صداقت مرد در علاقه و دوستی به همسر است بدون مهریه نکاح جواز ندارد و البته در کمیت و اندازه آن مذاهب مختلف روش‌هایی را برای خود برگزیده‌اند استاد قرائتی می‌نویسد: «کلمه نحل به گفته‌ی راغب اصفهانی از «نحل» به معنای زنبور عسل است؛ چون زنبور عسل به مردم عسل می‌بخشد و توقعی هم ندارد، به هدیه هم «نحل» گفته می‌شود البته بعضی مفسران «نحل» را به معنی دین گرفته‌اند؛ یعنی اینکه مهریه، دین بدیهی است، باید از طرف مرد پرداخت شود». (قرائتی، ۱۳۸۸: ۲، ۲۱) و از آن‌که امکان طلاق در هر ازدواجی وجود دارد، مهریه عامل بازدارنده از فروپاشی خانواده و نیز اندوخته‌ی است برای زنان پس از جدایی که





متحمل خسارت بیش‌تری می‌شوند و گاهی جوانی و نشاط خود را از دست می‌دهند
(رضایی اصفهانی، بی‌تا: ۲، ۳۱۳)

نَفَقه:

مرد باید توان پذیرش مسئولیت‌های ازدواج و مشکلات نفقه و مسائل زناشویی را داشته باشد. فردی که از عهده‌ی مخارج خویش و خانواده‌اش بر نمی‌آید، اشخاص تحت سرپرستی‌اش را تباه گردانیده و خویش و خانواده‌اش را در معرض احتیاج و سؤال از دیگران قرار می‌دهد خداوند متعال می‌فرماید:

«وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴)

و به‌خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند.

اندیشمندان اسلامی معنی این آیه تنها به خوراک و پوشاک خلاصه نمی‌دانند بلکه معتقدند کسی که توان برآوردن مسائل زناشویی را نداشته باشد، نمی‌تواند از عهده‌ی پارسا و عفیف داشتن همسرش برآمده و امیدی به بچه‌دارشان آنان نخواهد بود از همین جهت فقهای اسلامی مواردی را به‌عنوان فسخ نکاح از طرف زن تعیین نموده‌اند که فقهای اهل سنت شیعه با اندک اختلاف قبول دارند؛ چنانچه مکارم شیرازی معنای آیه را گسترش داده است: «آنچه از این آیه استفاده می‌شود؛ این است که تنها هزینه زندگی، تهیه مسکن، تغذیه و . . . وظیفه پدر و سرپرست نیست، بلکه مهم از آن‌ها، تغذیه روح و جان اعضای خانواده است نگهداری از خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم کردن محیط پاک و خالی از هرگونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۴، ۲۸۸)

ضرر نرسانیدن:

مرد نباید زن را به‌وسیله‌ی گفتار و رفتار خود، ضرر نرساند خداوند متعال می‌فرماید:

«وَلَا تُسْكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا» (بقره: ۲۳۱)

و هیچ‌گاه به خاطر زیان رساندن و تعدی کردن، آن‌ها را نگاه ندارید!
طبق این آیه‌ی مبارک اسلام، دین زندگی همراه باصفا و محبت را می‌خواهد،
نگاه‌داری همسر به قصد آزار او حرام است و کسانی که با همسر خود بدرفتاری می‌کنند،
متجاوز هستند (قرائتی ۱۳۸۸ هـ ش: ۱، ۳۶۳).
در فقه اهل سنت آمده است که هرگاه مرد به زن ضرر برساند زن حق شکایت به
محکمه را دارد (خلاف، ۱۳۵۷ هـ ق: ۱۲۱).

حقوق مرد بر زن:

معاشرت پسندیده:

بر زن لازم است که همراه شوهرش معاشرت نیک و پسندیده داشته باشد؛ چنانکه
قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۸۸)

و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آن‌هاست، حقوق شایسته‌ای قرار
داده شده؛ و مردان بر آنان برتری دارند.

زمخشری می‌نویسد: منظور از معاشرت نیک این است که در شریعت و عرف
مردم قابل انکار نباشد (کشاف، ۱۴۰۷ هـ ق: ۱، ۲۷۲).

سرپرستی:

از نظر حقوقی وقتی خانواده به عنوان یک واحد کوچک اجتماعی شکل گرفت
همانند هر اجتماع دیگر نیاز به سرپرست دارد شریعت اسلام منزلت مدیریت و
«قوامت» به معنی رهبری و ریاست خانواده را به مردان داده تا با استفاده از تخصص
و تجاربشان، امور مربوط به خانواده و منزل را به نحو احسن ترتیب و تنظیم نمایند،





به همین ملحوظ تصمیم‌گیری در این زمینه به مردان سپرده است (مصباح یزدی، ۳۲۵: ۱۳۹۰) خداوند متعال می‌فرماید:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»
(النساء/۳۴)

مردان مسؤولیت سرپرستی زنان را بر دوش دارند، بدین علت که خداوند برخی را بر برخی دیگری برتری داده و نیز به آن سبب که (معمولاً مردان کار می‌کنند) و از حاصل کار خود (برای خانواده) خرج می‌نمایند.

«قوام» به کسی گفته می‌شود که تدبیر و اصلاح دیگران را به دوش بگیرد، شرط سرپرستی لیاقت است تأمین و اداره زندگی است و به این جهت، مردان نه تنها در امور خانواده، بلکه در امور اجتماعی نیز مقدم هستند، هرچند برخی زنان این توانی و برتری مالی دارند، ولی قانون و برنامه باید عموم را مراعات کرد، نه امور و افراد نادر را (قرائتی، ۱۳۸۸ هـ ش: ۲، ۶۰) استاد زحیلی می‌نویسد: «اسلام منزلت مدیریت و «قوامت» به معنی ریاست و رهبری را به مردان داده تا امور خانواده و منزل به خاطر خبرگی و تجارب مردان و نیاز مدیریت به قوت و صلابت و قاطعیت و غلبه عقلانیت بر احساسات و پذیرفتن عواقب و مسئولیت‌ها، تصمیم‌گیری به آنان سپرده است» (زحیلی، ۱۳۸۲ هـ ش، صص ۲۵-۲۹) و منظور از رهبری خانواده آن نیست که مرد حق استبداد و اجحاف داشته باشد بلکه مقصود رهبری واحد منظم با توجه به مسؤولیت‌ها و مشاوره‌هاست (رضایی اصفهانی، بی تا: ۲، ۳۶۷).

فرمان برداری:

یکی دیگر از حقوق شوهر این است که زن از او فرمان ببرد و در تفسیر آیه «فالصالحات القانتات» امام رازی می‌نویسد: «زن صالحه تا وقتی که از شوهرش فرمان

نبرد، صالحه نیست» ولیکن این حق مطلق نیست، بلکه در صورتی رواست که اطاعت شوهر باعث نافرمان برداری خالق نشود (فهد عبدالله، بی تا: ۴۴)

حقوق مشترک:

برخی حقوقی هستند که هر دو طرف مشترک هستند مثل ثبوت حرمت مصادره، توارث، استفاده جنسی رفتار نیکو چنانکه خداوند متعال می فرماید:

«وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (بقره: ۲۲۸)

و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده؛ و مردان بر آنان برتری دارند (فهد عبدالله، بی تا: ۴۴) بنابراین، بهترین نمود مدیریت خانواده، در تثبیت نقش‌ها این است که زن و مرد مسلمان، در سایه‌ی ازدواج، پیمان وحدت بسته و دست بیعت بر ایجاد محیطی سرشار از تفاهم و رشد داده‌اند لازمه‌ی دستیابی به این هدف مقدس، آن است که در یک نظام صحیح، موقعیت هر فرد طراحی و تعیین شود و بپذیرد که نسبت به دیگری حقوقی دارد و در قبال آن وظایفی را متعهد می‌شود، به صورت درست انجام بدهد. مرد همسر و پدر خانواده است و حق همسری و پدری دارد؛ پس باید حقوق او در جایگاهش رعایت شود و زن نیز همسر و مادر خانواده است و باید حقوق او نیز در هر دو جایگاه محفوظ باشد.

همسران باید موقعیت یکدیگر را در نظر داشته باشند، البته همکاری و کمک به دیگری در خانواده، به معنای تزلزل یا جابجایی نقش‌ها نیست و اختلاف سلیقه هم امری پذیرفته است در خانواده قرآنی، پدرسالاری، مادر سالاری یا فرزند سالاری معنا ندارد فرزندان باید پدر را در جایگاه پدری باور کنند؛ نه خدمت‌گزار و بانک خانواده و مادر را نیز در جایگاه مادری باور کنند؛ نه خدمه‌ای بامحبت و سخت‌کوش.





مبانی فضیلت گرایی و انحراف زدایی

مؤثرترین مبانی استحکام خانواده‌ها ارتباط و غریزه جنسی زن و مرد است، در زندگی زن و شوهری هر دو طرف عقد دوست دارند که محبت و عشق جنس مخالف منحصر به وی باشد و چیزی که باعث سرد شدن این عاطفه می‌گردد نگاه چشم و دل به نامحرم است، کمترین اثرش این است که هرروز هوس تازه‌ای به سر بیننده راه می‌یابد؛ دل دادن به صورت‌های زیباتر از همسر، همسر را در نظر مرد تکراری و نازیبا جلوه می‌دهد، از یکسو زمینه روابط آزاد و نامشروع را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر بنیان خانواده را متزلزل می‌سازد و امروز خانواده در غرب از همین ناحیه مورد تهدید قرار گرفته است؛ آزادی جنسی در اثر آزادی روابط، نه تنها تماس جنسی پیش از ازدواج را ترویج کرده و سبب به عقب افتادن ازدواج یا بی‌میلی به آن می‌شود، بلکه زنان و مردان متأهل را نیز تشویق به بی‌بندوباری می‌کند؛ و سبب گسترش هوس بازی و در نتیجه طلاق و پاشیدن دیوار خانواده می‌گردد. شریعت اسلام ابعاد مادی و معنوی، فردی و اجتماعی زندگی انسان را مورد توجه جدی خود قرار داده است، در این مسئله نیز تدابیری را جهت تحکیم بنیاد خانواده پیموده است این ایده و ارزش از دو راه دنبال می‌شود: یکی وضع قوانین خاص اجتماعی برای روابط زن و مرد و دیگری هشدارهای اخلاقی اعتقادی و تربیت نفوس و تقویت نیروی شناخت و اراده و تقوا در آنان. این دو عامل، سبب می‌شود که شخص برای تأمین صحیح و سالم نیازهای شبه غریزی خویش تلاش کند و مقدمات تشکیل خانواده را فراهم کند. در قرآن این موضوع تحت عناوین و رهنمودها و توصیه‌های خاصی ارائه شده است که در ذیل به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

پرهیز از حریم شکنی:

در مورد ضرورت حفظ عفاف و پرهیز از حریم شکنی قرآن کریم می‌فرماید:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ. إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ. فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (مؤمنون: ۱ و ۷-۵)

به راستی که مؤمنان رستگار شدند و همانان که پاکدامند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست. پس هر که فراتر از این جوید، آنان از حد در گذرندگانید.

شهوت، طغیانگر است و به کنترل و حفاظت نیاز دارد در ارضای غریزه جنسی محدودیت لازم است و رهنمون‌های قرآن کریم این است که در ظاهر و خفا به حریم‌های خصوصی افراد احترام گذاشته شود و جامعه از آلودگی شهوات، مفاسد اخلاقی دور نگه داشته شود این همان برهان الهی است که در بدترین شرایط زندگی حضرت یوسف (علیه السلام) به سراغش آمد و او را از آلودگی به فحشاء-که تمام زمینه‌های ارتکاب، موجود و موانعش مفقود بود-حفظ کرد ولی ممنوعیت از آن خلاف فطرت است از همین جهت به طریقه‌ی مشروع آن را جایز می‌داند:

«إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ»

اگر انسان در شرایطی مثل حیوان درنده‌ای هیچ‌گونه مانعی در برابر خود نبیند، به همه‌جا حمله کند تمام سقف‌های جامعه می‌پاشد قرآن کریم برای حفظ خانواده درندگی را چه زیبا تهدید به‌روز قیامت می‌کند

«بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ * يَسْأَلُ أَتَىٰ نَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ» (قیامة: ۵-۶)

بلکه انسان می‌خواهد (آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت) در تمام عمر، گناه کند، (از این رو) می‌پرسد: قیامت کی خواهد بود؟ (سؤالی که نشانه انکار یا تردید است) بی‌بندوباری در مسائل جنسی نیز سبب ناامنی جامعه می‌شود چه بسا که آلودگی به عمق خانه آن‌ها نیز نفوذ کند بنابراین هر کس که به این امور توجه کند، به یقین در کنترل شهوات خویش می‌کوشد (زهرانی، بی تا: ۸).





حفظ تعادل خانواده از خطرات تمایلات جنسی:

بدون شك خطرات روحی و روانی، اجتماعی و فرهنگی شهوت پرستی و غرایز جنسی به مراتب بیشتر از سایر خطرات دیگری است، به همین منظور جلوگیری از آن‌ها قوانین و مقررات را وضع کرده است و در این مورد می‌فرماید:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

* وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَى إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

(نور: ۳۰-۳۱)

ترجمه: به مؤمنان بگو چشمه‌ای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است * و به زنان باایمان بگو چشمه‌ای خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامن خویش را حفظ کنند و زینت خود را -جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدرشوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیشانشان، یا بردگانشان [=کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود

(و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد)؛ و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید!

مسئله عفاف آن قدر در اسلام مهم است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه واله مسلم هنگام بیعت گرفتن از زنان مسلمان، مسئله عفت را به عنوان یکی از مواد بیعت قرار می داد:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذْ جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه / ۱۲)

«ای پیامبر، چون زنان با ایمان نزد تو آیند که (با این شرط) با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و بچه های حرامزاده پیش دست و پای خود را با بهتان (و حيله) به شوهر نبندند و در (کار) نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه، زیرا خداوند آمرزنده مهربان است» از آنجایی که مؤمنان، باید خانواده ای پاک و طاهر داشته باشند، وزنان و مردان پاک، با پاکان ازدواج می کنند.

انسان موجودی اجتماعی است که پیش از هر چیز به خانواده نیاز دارد، چنان که برای تحقق بخشیدن به فرایند رشد و تکامل خویش به ارتباط با دیگران نیازمند است... (مظاهری، ۱۴۲۲ هـ ق، ۴۹) در اسلام برای بهداشت روان آدمی دو راه در نظر گرفته شده است: راه اول، اصل ازدواج که بحث آن گذشت؛ و اصل دوم، اعمال محدودیت در برخورد با نامحرم از قبیل دقت در سلام و احوال پرسی، حرمت دست دادن و ملاقات و دوستی با نامحرم، حفظ حجاب و حرمت نگاه به نامحرم که هر کدام به نحوی تحریک کننده غریزه جنسی است.





براساس آیه، حتی از ابراز محبت و سلام نیز باید خودداری شود تا مبدا پاسخ زن برای مرد به صورت یک محرک جنسی درآید. غریزه جنسی یکی از شدیدترین سابقه‌های انسانی است که همراهی این سابقه با دیگر نیازها، مثل نیاز به زیباگرایی و نیاز به محبت «عشق و تعلق» و نیز در هم آمیختن این نیازهای سه‌گانه در مظهر واحدی به نام «غریزه جنسی» می‌تواند گوشه‌ای از فشار جنسی را بیان کند در قرآن خطاب به زنان پیامبر آمده است:

«فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»

به‌گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند» (احزاب، ۳۲).
تعبیر فوق بسیار گویاست؛ زیرا غریزه جنسی در حد تعادل و مشروع عین سلامتی است؛ اما هنگامی که از این حد بگذرد، نوعی بیماری خواهد بود تا آن‌گاه که به سر حد جنون می‌رسد و امروزه دانشمندان انواع و اقسام بیماری‌های روانی را که بر اثر طغیان غریزه جنسی و تن دادن به انواع آلودگی‌های جنسی پدید می‌آید، نقل می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ هـ.ش، ۲۸۹).

مبانی استحکام هزینه‌ها در قرآن کریم.

یکی از عناصری که برخی خانواده‌ها را از هم می‌پاشاند هزینه‌ها، گزاف و خواست‌های بالاتر از توان است. میانه‌روی و صرفه‌جویی در خرج و مخارج زندگی و در خورد و نوش، سبب استحکام خانواده‌ها می‌شود بدون شک از هم پاشیدن‌ها به خاطر خواست و توقعات زیادی است که مردم برآورده کرده نمی‌توانند، پس یکی دیگر از مبانی استحکام خانواده‌ها مدیریت دخل و خرج خانوار است. اهمیت مدیریت منابع اقتصادی در خانواده تا آنجاست که مدیریت این بخش می‌تواند منجر به تحکیم بنیان خانواده و کاهش تنش و مشکلات خانوادگی شود، مسئله اقتصاد مقاومتی که مقام

معظم رهبری در رمضان ۱۳۹۸ در جمع کارآفرینان مطرح کردند «ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم» (دفتر حفظ و نشر آثار، ۱۳۹۱ هـ ش) ایشان اقتصاد مقاومتی را مدلی همراه با مقاومت می‌دانند که در برابر تمام کارشکنی‌های دشمن محکم ایستاده شوند و نه تنها شامل دولت و نظام می‌شود، بلکه در قدم نخست مدیریت اقتصادی خانواده در شرایط فعلی براساس میزان درآمدهای هریک از اعضای خانواده و هزینه‌ها تنظیم شود، بدون شک موفق بوده‌اند خانواده‌های که آینده‌نگری را پیشه خودکرده‌اند، راحت‌تر از بحران می‌گذرند، درست است که تورم در جامعه بالاست و هرروز هزینه‌های کالای ضروری، مسکن و... افزایش می‌یابد، اما با رعایت مدیریت اقتصادی می‌توان تا حدودی از بار مشکلات بکاهد، فرهنگ قناعت و صرفه‌جویی در خانواده‌ها کم‌رنگ شده است لذا آرامش، شادابی و نشاط در خانواده‌ها رخت بسته است و حتی در برخی موارد باعث از هم پاشیدن خانواده‌ها شده است.

بنابراین، با تلفیق مدیریت اقتصادی خانواده با آموزه‌های دینی مثل پرهیز از اسراف و پیشه کردن صرفه‌جویی و قناعت می‌توان به آرامش و استحکام خانواده‌ها دست یافت.

خداوند متعال می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷)

ترجمه: و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.

پنجمین صفت عباد الرحمن که افراط و تفریط دوری می‌کنند این است که در هنگام انفاق کردن، نه اسراف و نه سخت‌گیری بلکه میان این دو به حد اعتدال رفتار می‌کنند، قرآن کریم روی کیفیت مصرف کردن سخن می‌گوید؛ زیرا اصل هزینه کردن را امر





مسلم می‌گیرد و خانواده که «عباد الرحمن» هستند هزینه عادلانه می‌کنند، نه چنان بذل و بخشش که زن و فرزندان گرسنه بماند و نه چندان سخت گیراند که حتی خانواده از عطایای آن‌ها بی‌بهره باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ هـ ش: ۳، ۳۵۲) طبق آموزه‌های قرآنی خانواده برتر در زندگی دارای سبک و شیوه‌ای ممتاز از دیگران است زن و شوهر در چنین خانواده‌ای اهل کار و تلاش‌اند و برای آبادانی دنیا از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند، ولی تمام جهت‌گیری‌های زندگی آنان به سمت وسوی زهد و ساده زیستی است؛ روشی زاهدانه فقیرانه دارند و از دنیا به قدر کفاف و نیاز برداشت می‌کنند. در زندگی آن‌ها اثری از اسراف و ریخت‌وپاش دیده نمی‌شود خانواده برتر در شیوه زندگی خود حد و اندازه را نگه می‌دارند، نعمت‌های الهی را بی‌حساب و کتاب مصرف نمی‌کنند و آن‌ها را ضایع نمی‌سازند آن‌ها کرامت انسانی خود را ارزشمندتر از آن می‌دانند که اسیر زرق و برق و تجملات دنیا شوند امام علی (ع) می‌فرمایند: «اطیب العیش القناعة» خوش‌ترین زندگی، در قناعت است (محمدی، ۱۳۲۵ هـ ش: ۲۴۱)

نتیجه‌گیری

از دقت در آیات قرآن کریم و تفسیر آن به وسیله‌ی روایات روشن می‌شود که خانواده در اسلام به عنوان کانون پدید آوردند آرامش و مهربانی از اهمیت بسزایی برخوردار است. مودت و رحمت جان‌مایه تحکیم پیوند خانوادگی است خداوند حکیم جهت حفظ حریم خانواده و عدم تزلزل بنیاد اصیل خانواده، مبانی را وضع نموده است که برخی آن‌ها تشکیل خانواده براساس هم‌رنگی متناسب طرفین، مدیریت ایدئال خانواده، مناسبات و روابط اسلامی زن و شوهر با یکدیگر و سبک زندگی با استانداردهای اسلامی، می‌باشد.

اگر روابط عاطفی و اخلاقی، روابط جنسی، روابط حقوقی؛ یعنی اینکه زن و شوهر به حقوق همدیگر احترام بگذارند و روابط اقتصادی درست تبیین شود، بسیاری از مشکلات برچیده می‌شود.

تأثیر رعایت حقوق و اخلاق در خانواده باعث می‌شود که هرکس از دیگر افراد خانواده توقع بیش از اندازه نداشته باشد و همچنین سبب می‌شود که براساس ضوابط، کار و برنامه خود را معین کند و از آن فراتر نرود در این صورت روابط خانوادگی محکم‌تر می‌شود اگر انسان همسر خود را امانت الهی بداند و یا رعایت حقوق او زمینه آرامش و امنیت فکری، روحی و روانی در منزل پدید می‌آید و همسر او هم نیز با نیروی کامل و باروحیه پرنشاط، وظیفه‌ی همسری خود را به‌جای می‌آورد و همچنین رعایت اخلاق در خانواده روابط خانوادگی را تقویت می‌کند بد اخلاقی در هر جا بد و زشت است ولی در محیط خانواده زشت‌تر است؛ زیرا بهشت زندگی را به جهنم تبدیل می‌کند از این رو، طبق بیانات قرآن کریم ملاک برتری خانواده‌ها، برخورداری از فضیلت‌ها و ارزش‌های انسانی اسلامی است.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م). تفسیر القرآن العظیم، اول، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ هـ ق). لسان العرب، بیروت: دارالاحیاء للتراث العربی.
۴. أحمد الزیات، إبراهيم مصطفى و محمد النجار، حامد عبدالقادر (بی تا). المعجم الوسیط، بی جا، دار الدعوة.
۵. اعزازی، شهلا (۱۳۸۵ هـ ش). جامعه شناسی خانواده: با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در جهان معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۶. باقر، شریف قرشی (۱۳۹۰ هـ ش). نظام خانواده در اسلام، مترجم، لطیف راشدی، سوم، تهران: انتشارات شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۷. البیهقی، أحمد بن الحسین، السنن الصغری، <http://www.ahlalaldeeth.com>
۸. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۹۹۸ م). الجامع الکبیر - سنن الترمذی، المحقق: بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
۹. الجزایری، جابر بن موسی بن عبدالقادر (۱۴۲۴ هـ / ۲۰۰۳ م). أیسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، المدینة المنورة: مكتبة العلوم والحکم.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ هـ ق). وسایل الشیعه، قم: مؤسسة آل البيت.
۱۱. حسنی بیرجندی، حسین (۱۳۷۶ هـ ش). عیون الحکم والمواعظ، قم: مؤسسة دارالحديث.
۱۲. حسینی، محمد بن محمد بن عبدالرزاق (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس، بی جا: دار الهدایة.



۱۳. خلاف، عبدالوهاب (۱۹۳۸ م). أحكام الأحوال الشخصية في الشريعة الإسلامية، قاهره: مطبعة دار الكتب المصرية بالقاهرة.
۱۴. دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای (۱۳۹۱ هـ ش). اقتصاد مقاومتی راهکاری برای توسعه، مشکوه، بهار، شماره ۱۱۸.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۹ هـ ش). مفردات قرآن، مترجم: جهانبگیر ولدبیگی، تهران: آراس.
۱۶. رضایی اصفهانی (بی تا). تفسیر قرآن مهر، قم: عصر ظهور.
۱۷. زاهدی، احمد، قاضی (بی تا) نقش قرآن در تأمین حقوق انسان، اول، قم: انتشارات دارالقرآن الکریم.
۱۸. زحیلی، وهبه (۱۳۸۸ هـ ش). فقه خانواده در جهان معاصر، مترجم: عبدالعزیز سلیمی، سوم، تهران: نشر احسان.
۱۹. زحیلی، وهبه بن مصطفى (۱۴۱۸ هـ ق). التفسیر المنیر فی العقيدة والشريعة والمنهج، دمشق: دار الفكر المعاصر.
۲۰. زحیلی، هبه (۱۳۸۲ هـ ش). فقه خانواده در جهان معاصر، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، تهران: انتشارات احسان.
۲۱. زمخشری، محمود بن عمرو (۱۴۰۷ هـ). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، سوم. بیروت: دار الكتاب العربی.
۲۲. زهرانی، یحیی بن موسی (بی تا) الشهوات المهلکه، بیروت: المكتبة العصرية.
۲۳. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۸۹ هـ ش) المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۴. طبری، محمد بن جریر (۲۲۴ - ۳۱۰). جامع البیان، اول، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۵. علی، کلانتری (بی تا). اخلاق زندگی، سوم، قم: دفتر نشر معارف.





۲۶. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب (۱۴۲۶ هـ ق). *القاموس المحيط*، تحقیق مکتب تحقیق التراث، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۷. فیومی، أحمد بن محمد بن علی (۱۴۱۳ هـ ق). *المصباح المنیر*، بیروت: مکتبه العلمیه.
۲۸. قائمی، علی (۱۳۹۳ هـ ش). *نظام حیات خانواده در اسلام*، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۲۹. قریشی، علی اکبر (۱۳۹۲ هـ ش). *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: دفتر نشر نوید اسلام.
۳۰. قشیری، مسلم بن الحجاج (بی تا). *صحیح المسلم*، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار احیاء.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (بی تا). *اصول کافی*، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ هـ ق). *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفا.
۳۳. محسن، قرائتی (۱۳۸۸ هـ ش). *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس های قرآن.
۳۴. محمدی، ری شهری (۱۳۲۵). *تحکم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، ترجمه، حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
۳۵. مخلص، عبدالرؤف. (۱۳۸۵ هـ ش). *تفسیر انوار القرآن*، ایران: احمد جام.
۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). *مشکات*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). *انسان سازی در قرآن*، تنظیم و تدوین محمد فتحعلی، سوم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۸. مظاهری، محمد هاشم (۱۴۲۲ هـ ق) *نگاه حرام در اسلام*، مترجم: عبیدالله، ملازهی، زاهدان: حوزه علمیة تعلیم القرآن.

۳۹. مکارم شیرازی (۱۳۸۸ هـ ش) ناصر، شهوت و عفاف، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۹ هـ ش). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامیة.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷ هـ ش). برگزیده‌ی تفسیر نمونه، تنظیم و تحقیق، احمدعلی بابایی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت (۱۴۲۷ هـ ق). الموسوعة الفقهية الكويتية، كويت: دار السلاسل.



